خط زرد

توصیه‌های پلیس برای استفاده از خودپردازهای بانکی

- هیچ‌گاه کارت خود را با فشار در کارت‌خوان وارد نکنید.
- رسید چاپی خودپرداز را نزد خود نگه دارید و از رها کردن آن روی دستگاه یا اطراف آن خودداری کنید.
- هنگام استفاده از دستگاه شتاب‌زده عمل نکنید و قبل از ترک دستگاه با دقت کارت و پول نقد خود را در کیف پول، کیف دستی یا پاکت قرار دهید.
- شماره رمز خود را حفظ کنید. (اگر لازم است که رمز خود را یادداشت کنید، این کار را طوری انجام دهید که فقط خودتان بتوانید آن را بخوانید و هرگز این نوشته را همراه با کارت خود حمل نکنید).

سرهنگ محمد بوستانی
رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

حادثه در قاب

اطفای آتش سوزی کارخانه تولید "پلی‌استایرن" در شهرک صنعتی جاده کلات با تلاش ۱۰۰ آتش‌نشان مشهدی

اختصاصی خراسان

رئیس پلیس مشهد راز شبکه «ستار» را فاش کرد

فروش کیلویی گوشی‌های سرقتی!

سجادپور - با دستگیری تعدادی از زنان سابقه‌دار که با شگردی خاص در اتوبوس‌های بی‌آرتی و مراکز تجاری کیف‌زنی می‌کردند، راز شبکه سرقت معروف به «ستار» در حالی فاش شد که بررسی‌های پلیس نشان می‌دهد اعضای این شبکه گوشی‌های سرقتی را به‌صورت کیلویی معامله می‌کردند!

فرمانده انتظامی مشهد روز گذشته در حاشیه دستگیری تعدادی از اعضای این باند حرفه‌ای و در گفت‌وگویی اختصاصی به خراسان گفت: به دنبال افزایش کیف‌زنی در اتوبوس‌های بی‌آرتی مناطق طبرسی شمالی و جنوبی و همچنین مراکز تجاری اطراف حرم مطهر امام رضا(ع)، تجزیه‌وتحلیل‌های کارشناسی آغاز و مشخص شد که در بیشتر از ۹۰ درصد سرقت‌های مذکور، زنان مسافر طعمه دزدان شده‌اند و این سرقت‌ها در نقاط خاصی از خط ویژه عبور اتوبوس‌ها رخ داده است. سرهنگ عباس صارمی ساداتی افزود: بنابراین پیگیری پرونده کیف‌زنی‌های یادشده به نیروهای کلانتری بانوان سپرده شد.

مقام ارشد انتظامی مشهد خاطرنشان کرد: ترسیم چهره‌های فرضی زنان مظنون به سرقت با همکاری مال باختگان، پلیس را به سوی دزدان سابقه‌داری کشاند که حدود دو سال قبل از زندان آزاد شده بودند. وی اضافه کرد: پس از چند روز فعالیت‌های اطلاعاتی، بالاخره سرنخ‌هایی از پاتوق دو سارق سابقه‌دار میان سال به دست آمد و بانوان پلیس با هماهنگی قضایی و در یک عملیات ضربتی، آنان را در منطقه خواجه‌ربیع به دام انداختند.

سرهنگ صارمی ساداتی تاکید کرد: بازجویی از دو متهم ۵۵ و ۵۲ ساله پای رانده یک دستگاه ۲۰۶ را به میان کشید که مشخص شد این مرد راننده اعضای باند را هر روز بعد از ظهر به محل‌های ارتکاب جرم می‌رساند و در ساعات به خصوصی نیز آن‌ها را از محل خارج می‌کرد. «کلیددار امنیت» مشهد تصریح کرد: ادامه تحقیقات درباره این شبکه سرقت بیانگر آن بود که مرد زندانی که در زندان باز است نیز همدست یکی از زنان سارق در برخی از کیف‌زنی‌هاست بنابراین، با هماهنگی قضایی، این فرد هم بازداشت شد و مورد بازجویی‌های تخصصی قرار گرفت.

به گفته رئیس پلیس مشهد، سرنخ اصلی این کلاف پیچیده، همزمان با بازجویی‌های تخصصی از اعضای باند به مالخری به نام «ستار» رسید که تحقیقات نشان داد: این مرد ۳۳ ساله تبعه خارجی غیرمجاز است و یک بار نیز سابقه طرد از کشور را دارد اما دوباره به صورت غیرقانونی به کشور بازگشته و با یک زن ایرانی ازدواج کرده است.

فرمانده انتظامی مشهد ادامه داد: این مالخر که شماره حساب تعدادی از زنان سارق را در دفترچه‌ای نوشته بود، پول گوشی‌های سرقتی را که به صورت کیلویی خریداری می‌کرد به حساب آن‌ها می‌ریخت!

سرهنگ عباس صارمی ساداتی با اشاره به این که تعداد دیگری از اعضای این شبکه شناسایی شده‌اند، افزود: از فروشگاه موبایل فروشی مالخر معروف به «ستار» تاکنون ۱۲۰ دستگاه گوشی مستعمل کشف شده است و ۴۵ مال باخته نیز شناسایی شده‌اند. این در حالی است که وی شماره‌های سریال گوشی‌ها را نیز مخدوش می‌کرد و در جمعه بازار به فروش می‌رساند.

مقام ارشد انتظامی مشهد با بیان این که همسر معتادیکی از زنان سارق نیز در فروش گوشی‌های سرقتی نقش دارد، درباره شگرد اعضای این باند گفت: آن‌ها به صورت باندهای دو نفره سوار اتوبوس می‌شدند و در مکان‌هایی که اتوبوس به دست انداز می‌افتاد یا به خاطر وجود سرعت‌گیر تکان

عکس تزیینی است

می‌خورد، یکی از آن‌ها خود را روی طعمه می‌انداخت و به محتویات کیف وی دستبرد می‌زد و سپس گوشی را به همدستش می‌داد که با فاصله از وی ایستاده بود!

سرهنگ صارمی ساداتی گفت: تحقیقات بیشتر در حالی ادامه دارد که ۱۲ گوشی هوشمند سرقتی، ۹ کارت عابر بانک، تعدادی پاسپورت و شناسنامه مسافران عرب و مقادیری مواد مخدر صنعتی نیز از اعضای این شبکه کشف شده است.

در امتداد تاریکی

فرصت‌های برباد رفته!

اعتیاد به مواد مخدر زندگی ام را نابود کرد و خانواده ام از هم پاشید با این وجود چند سال قبل از چنگ مواد افیونی رها شدم اما هیچ وقت نتوانستم برای انتخاب شریک زندگی تصمیم درستی بگیرم و همواره شکست خوردم به گونه‌ای که ...

جوان ۳۷ ساله‌ای که با شکایت همسرش و به اتهام تخریب لوازم منزل به کلانتری احضار شده بود با بیان این که من فقط گوشی همسرم را به دیوار کوبیدم درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری میرزاکوچک خان مشهد گفت: چندان به تحصیل اهمیتی نمی‌دادم به همین دلیل هم نتوانستم سال آخر دبیرستان را به پایان برسانم و دیپلم بگیرم با این حال به عنوان نگهبان انبار در شرکت برق یکی از شهرستان‌ها مشغول کار شدم تا این که چند سال بعد پدرم فوت کرد و مسئولیت خانواده ام به گردن من افتاد. آن روزها یکی از همکاران در انباری محل کارمان مواد مخدر مصرف می‌کرد او روزی مرا نیز به پای بساطش دعوت کرد من هم که به دلیل مرگ پدرم در شرایط روحی درستی نبودم برای اولین بار در کنار او به استعمال مواد مخدر پرداختم تا به قول معروف غم‌هایم را فراموش کنم. آن روز حس خوبی داشتم و احساس لذت می‌کردم به همین خاطر به مصرف مواد در محل کارم ادامه دادم. زمانی به خودم آمدم که دیگر مواد مخدر روح و روانم را تسخیر کرده بود در این شرایط مادرم پیشنهاد کرد با یکی از دختران فامیل ازدواج کنم من هم که وضعیت خودم را می‌دانستم بدون هیچ حرف و حدیثی قبول کردم و با انجام مراسم خواستگاری و شیرینی خوران به طور غیررسمی با «الینا» نامزد شدم، اما حدود ۲ هفته بعد از این ماجرا خانواده نامزدم پس از آن درباره وضعیت اجتماعی و اخلاقی من تحقیق کردند دیگر به ازدواجمان رضایت ندادند. مادرم نیز که از تصمیم خانواده نامزدم به شدت ناراحت شده بود بلافاصله به خواستگاری دختر یکی دیگر از بستگان دور مان رفت. در این شرایط خانواده نامزدم که اوضاع را این گونه دیدند به ناچار و برای حفظ آبروی خودشان با ازدواج ما موافقت کردند و بدین ترتیب من و الینا زندگی مشترکمان را آغاز کردیم. اما از سوی دیگر استعمال هر روزه مواد مخدر در انباری محل کارم ظن مدیران بالادستی را برانگیخته بود و آن‌ها چند بار هنگام بازدیدهای سرزده مرا در حال مصرف مواد دیدند ولی هر بار به دلیل جایگاه شغلی دو تن از بستگان نزدیکم و به احترام پدر بزرگ بازنشسته ام از اخراج من خودداری کردند. اما من قدر این فرصت‌ها را ندانستم و همچنان به استعمال مواد ادامه دادم تا این که به ناچار مرا از شرکت برق اخراج کردند. من هم که در این مدت گواهی نامه پایه یک گرفته بودم در حالی راننده خودروهای ترانزیتی شدم که مقدار مصرفم هر روز بیشتر می‌شد از سوی دیگر نیز به دلیل سفرهای طولانی فاصله عاطفی بین من و همسرم زیاد شد و مدت کوتاهی را هم که نزد الینا بودم صرف مصرف مواد مخدر می‌کردم این بود که همسرم از من طلاق گرفت و نزد خانواده‌اش بازگشت از آن روز به بعد همه درآمدم صرف تهیه مواد مخدر می‌شد و به وضعیت اسفباری رسیده بودم رانندگی در مسیر ایران و افغانستان موجب شده بود تا راحت‌تر به مواد مخدر دسترسی داشته باشم و هر روز بیشتر در منجلاب مواد افیونی فرو بروم. در این شرایط بود که دوستی دستم را گرفت و مرا به جلسات انجمن معتادان گمنام برد. تصمیم گرفته بودم خودم را از این مرداب کثیف بیرون بکشم که با یاری همدردهای خودم موفق به ترک اعتیاد شدم به طوری که با درآمد سه سال رانندگی، کامیونی برای خودم خریدم و روزهای خوب زندگی ام آغاز شد. در همین روزها با زن ۳۰ ساله‌ای که همکاری از بستگانم بود آشنا شدم و در طول یک هفته با او ازدواج کردم، بدون آن که شناختی درباره وضعیت اجتماعی و اخلاقی «سمیرا» داشته باشم. در واقع اشتباه ازدواج اولم را تکرار کردم چرا که فقط مصرف نکردن مواد مخدر را دلیلی بر پایداری و استحکام زندگی مشترک می‌دانستم. بعد از ازدواج در منزل مادرم ساکن شدیم اما اختلافات سمیرا با مادرم به آبروریزی و رسوایی کشید تا جایی که همسایگان هم از دست ما عاصی شدند. همسرم کارمند بود و مرا مجبور به فروش کامیون کرد در این شرایط به ناچار به منزل ملکی همسرم نقل مکان کردیم اما در هیچ زمینه‌ای با هم تفاهم نداشتیم و برخلاف نظر یکدیگر عمل می‌کردیم تا جایی که در پی مشاجرات خانوادگی، همسرم شبانه در منازل همسایگان را می‌کوبید و آبروریزی به راه می‌انداخت این بار هم من فقط گوشی تلفن او را به دیوار کوبیدم اما ای کاش قبل از ازدواج عاقلانه تصمیم می‌گرفتم و ...

شایان ذکر است به دستور سرهنگ باقی زاده حکاک (رئیس کلانتری میرزاکوچک خان) پرونده این زوج جوان در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی